فصل‌نامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی- فرهنگی، دوره‌ی نهم، شماره‌ی ۱، تابستان ۹۹، صفحات ۱۲۴-۹۷

مقاله پژوهشی

ارزیابی پایداری توسعه‌ی اجتماعی در دوره‌ی شاه عباس اول صفوی[۱]

صدرالدّین طاهری[۲]، زهره سلطانمرادی[۳]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۱۸

چکیده

هدف اصلی این نوشتار ارزیابی تحولات ایران در دوره‌ی شاه عباس اول صفوی با معیارهای توسعه-ی پایدار است. این پژوهش یک موردکاوی تاریخی با رویکرد تحلیلی تفسیری و با هدف توسعه‌ای است که داده‌های کیفی آن با بررسی اسنادی و گردآوری میدانی داده‌اندوزی شده‌اند. برای ارزیابی تحولات این دوره از چارچوب ارکان سه‌گانه (TBL) بهره برده‌ایم. بر پایه‌ی یافته‌های این پژوهش شاه عباس اول با اجرای سیاست‌های مدیریتی در حوزه‌های اجتماعی (برقراری امنیت در کشور، رواداری سیاسی و دوری از تعصبات مذهبی و قومی، حمایت قانونی از اقلیت‌ها، فضیلت‌سالاری در دستگاه اداری و...)، زیست‌محیطی (نظارت جدی بر سامانه‌های آب‌رسانی، شهرسازی هماهنگ با طبیعت، تبدیل اقتصاد وابسته به کشاورزی به اقتصاد تجارت‌محور و...) و نیز اقتصادی (حمایت از صنعت‌گران و بازرگانان، بازسازی و ایمن‌سازی شبکه‌ی راه‌های ارتباطی، ایجاد امنیت اقتصادی و...) توانست کشور را به توسعه‌ای پایدار برساند که آرامش و ثبات نسبی را در ایران تا چهار دهه پس از مرگ خود برقرار ساخت. با وجود این، کنارنهادن سنت اجدادی سپردن شاهزادگان به سران عشایر برای مشق حکومت را می‌توان بذر انحطاط صفویان دانست که سبب شد تحولات بنیان‌نهاده‌شده توسط شاه عباس اول در دوره‌ی جانشینانش تداوم نیابد.

واژه‌های کلیدی: توسعه‌ی اجتماعی؛ سلسله‌ی صفوی؛ شاه عباس اول؛ توسعه‌ی پایدار؛ ارکان سه‌گانه.

[۱] مقاله‌ی حاضر برگرفته از طرح پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر شیوه‌ی مدیریت صفویان بر تبدیل اصفهان به پیش‌الگوی یک مقصد سفر» است که توسط نگارندگان به شماره ۱۴۰۰۰۲/۱ در دانشگاه هنر اصفهان به انجام رسیده است.

[۲] استادیار گروه پژوهش هنر، دانشگاه هنر اصفهان **(نویسنده‌ی مسوول)** s.taheri@aui.ac.ir

[۳] دانش آموخته دکتری باستان شناسی، دانشگاه بوعلی سینا همدان، مدرس دانشگاه هنر اصفهان zohreh.soltanmoradi@gmail.com

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.52547/scds.9.1.97]

مقدمه

بر پایه‌ی تداوم چالش‌های گوناگون اجتماعی، زیست‌محیطی و اقتصادی که ایران معاصر را در آستانه‌ی بحران‌هایی چندسویه قرار داده‌اند، تلاش برای پایدارساختن توسعه، نیاز جدی و انکارناشدنی امروز ما است و دست‌یابی به توسعه‌ی پایدار قطعاً در گرو بازخوانی تجربیات تاریخی است. این بازبینی در یک پهنه‌ی جغرافیایی اگر از زاویه‌ای کل‌نگر و در گستره‌ای وسیع انجام پذیرد، می‌تواند اطلاعات مهمی را در اختیار پژوهش‌گران قرار دهد. برای گرفتارنشدن در دام تکرار تاریخ، باید به گذشته نگریست و اقدامات مدیریتی حاکمان و سیاست‌گذاران را در حد داده‌های تاریخی موجود ارزیابی کرد.

توسعه‌ی پایدار نقطه‌ی عطف هرچه پربارتر و هماهنگ‌ترنمودن ارتباط بین جوامع و زیستگاه آن‌ها است. در زمینه‌ی تلاش برای برآوردن نیاز نسل‌های کنونی و آتی، توسعه‌ی پایدار به عنوان متعادل‌کننده‌ی سود کوتاه‌مدت با حفظ بلندمدت محیط‌زیست عمل می‌نماید. پیامد چنین توسعه‌ای تعادل میان حفاظت از محیط‌زیست، حفظ یکپارچگی فرهنگی و افزایش سود اقتصادی چه در کشورهای توسعه‌یافته و چه در ممالک رو به توسعه است(هال و لیو[1]، ۱۹۹۹: ۷۵).

صفویان توانستند یکی از بزرگ‌ترین امپراتوری‌های ایرانی پس از اسلام را مستقر سازند(متز[2]، ۱۹۸۹: ۳۱۳) و پس از ساسانیان نخستین خاندان ایرانی بودند که توانستند یک حکومت ملی با نام رسمی ایران بنا کنند(شاپور شهبازی[3]، ۲۰۰۵: ۱۰۳). در عهد صفویان یک دولت ایرانی، به معنای اجتماعی که نظام حکومتی و قوانین خود را دارد و تابع دولتی مرکزی با سرحدات سرزمینی شناخته شده است، پدید آمد(سیوری، ۱۳۸۰: ۱۲۷).

وحدت زبانی و مذهبی بنیان‌نهاده‌شده از سوی حاکمان صفوی، دولت ایشان را یکپارچه و قدرتمند ساخت(بدوان، ۱۳۷۹: ۱۹۳). سیستم اداری دولت صفوی دستگاهی بسیار بغرنج و پیچیده با هدف برقراری یک نظارت دقیق بر جریان رسمی امور بود(مینورسکی، ۱۳۳۴: ۲۵۸).

حکومت شاه عباس اول را می‌توان نقطه عطفی در دوران پر فراز و نشیب پادشاهی صفویان دانست. اهداف بزرگ او برای هم‌آوردی با عثمانیان و کشورهای اروپایی، شیوه‌ی کشورداری وی را از پیشینیانش متفاوت می‌سازد. اما این تفاوت‌ها چگونه حاصل می‌شوند؟ در دوران شاه عباس

[1] Hall & Lew
[2] Metz
[3] Shapur Shahbazi

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]
[DOI: 10.52547/scds.9.1.97]

اول چه تحولاتی در مدیریت اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی ایران رخ می‌دهد؟ و پس از وی نوادگانش تا چه اندازه در مسیری که او بنیان نهاده بود گام برمی‌دارند؟ هدف اصلی این نوشتار ارزیابی تحولات ایران در دوره‌ی شاه عباس اول صفوی با معیارهای توسعه‌ی پایدار است.

پیشینه‌ی پژوهش

حسینی ابری(۱۳۷۷) به تحلیل مدیریت سنتی آب زاینده‌رود پرداخته و به شماری از اقدامات صفویان برای شهرسازی بر پایه‌ی مدیریت درست منابع آب اشاره نموده است. حسینی ابری(۱۳۸۳) همچنین در خوانش طومار تقسیم آب زاینده‌رود، مشارکت حکومت و مردم ایران در مدیریت منابع طبیعی در دوره‌ی صفوی را بررسی کرده است. اهری(۱۳۹۰) در بررسی نسبت فضاها و جشن‌های شهری در دوران صفویان و قاجاریان، به برخی از گشایش‌های اجتماعی در دوره‌ی شاه عباس اول اشاره کرده است. عمرانی‌پور و محمد مرادی(۱۳۹۰) به مطالعه‌ی سیر تحول محیط زاینده‌رود و تعامل آن با شهر اصفهان تا پایان عصر صفوی پرداخته‌اند. پورمحمدی املشی(۱۳۹۲) در بررسی فرامین تاریخی شاهان صفوی در باب ارامنه، ابعاد مختلف زندگی ارامنه و جهت‌گیری حکومت در قبال آن‌ها را نشان می‌دهد. در بعد شهرسازی و سیمای کلی شهر نیز پهلوان‌زاده(۱۳۹۲) در نوشتاری به مقایسه‌ی تطبیقی طراحی معماری و شهرسازی قزوین و اصفهان پرداخته. وی پس از بررسی دو پایتخت صفوی، اصفهان را از دید شهرسازی در مرتبه‌ای فراتر از قزوین می‌نهد. وی به دلیل این امر اشاره‌ای نمی‌کند؛ اما می‌توان گفت گشایش‌های اجتماعی و تنوع نژادی و مذهبی در این روند بی‌تأثیر نبوده است. گلومبک[1](۱۹۷۴) به بررسی طرح‌های شهرسازی پیشاصفوی اصفهان پرداخته که منبع خوبی برای فهم چگونگی گسترش شهر در دوره‌ی صفوی است. فلاحت و شیرازی[2](۲۰۱۲) منبع مناسبی برای بررسی طرح‌های توسعه‌ی اصفهان در دوره‌ی صفوی است. تقوی و دیگران[3](۲۰۱۶) به بررسی رابطه‌ی طراحی شهری صفویان با زندگی اجتماعی شهروندان پرداخته‌اند.

در پژوهش‌های یادشده بر ارتقا و اعتلای فرهنگ، گسترش‌های گوناگون اجتماعی و اقتصادی و نیز مدیریت منابع زیست‌محیطی در دوره‌ی صفوی و به‌ویژه در دوره‌ی شاه عباس اول

[1] Golombek
[2] Falahat & Shirazi
[3] Taghavi et al

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]
[DOI: 10.52547/scds.9.1.97]

تأکید می‌شود؛ اما هیچ‌یک از پژوهش‌های انجام‌گرفته، به طور خاص به ارزیابی سیاست‌های مدیریتی آن دوران با معیارهای توسعه‌ی پایدار نپرداخته‌اند.

روش پژوهش

این پژوهش یک موردکاوی تاریخی با رویکرد تحلیلی تفسیری و با هدف توسعه‌ای است که داده‌های کیفی آن با بررسی اسنادی (کتاب‌خانه‌ای و اینترنتی) و گردآوری میدانی داده‌اندوزی شده‌اند. قلمرو تاریخی پژوهش حاضر دوره‌ی حکومت شاه عباس اول صفوی (۱۵۸۸-۱۶۲۹ م.) را در بر می‌گیرد و محدوده‌ی جغرافیایی آن ایران صفوی (با تأکید بر شهر اصفهان، تختگاه صفویان) است. برای ارزیابی تحولات این دوره با معیارهای توسعه‌ی پایدار، از چارچوب ارکان سه‌گانه[1] که توسط جان الکینگتون تشریح گردیده(الکینگتون[2]، ۱۹۹۴ و الکینگتون، ۱۹۹۷) استفاده شده است. داده‌های لازم برای ارزیابی تأثیر این سیاست‌های مدیریتی بر توسعه‌ی کشور، از اسناد تاریخی، به ویژه سفرنامه‌های جهانگردان اروپایی که در این دوره از ایران و اصفهان بازدید نموده‌اند به‌عنوان ناظران بی‌طرف خارجی، گردآوری شده است.

مدیریت توسعه‌ی پایدار

عبارت «توسعه‌ی پایدار» نخستین بار در بیانیه‌ی *فردای مشترک ما*[3] به کار رفت که توسط کمیسیون برانت‌لند[4] منتشر شد. بر این پایه، انسان می‌تواند بدون قربانی‌کردن توانایی نسل‌های آینده برای برآورده‌سازی نیازهایشان، احتیاجات نسل کنونی را تأمین کند(دابلیو.سی.ای.دی[5]، ۱۹۸۷: ۸). به نظارت متمرکز بر چنین اصول و شیوه‌های سازمان‌یافته‌ای برای دست‌یابی به پیشرفت در یک جامعه مدیریت توسعه‌ی پایدار گفته می‌شود(ساکسنا[6]، ۲۰۱۷: ۴۲). با گسترده‌ترشدن کاربردهای این عبارت، تأکید آن بر رشد اقتصادی، گشایش اجتماعی و حفاظت از زیست‌محیط برای بهره‌ی آیندگان متمرکز شد(شیکر[7]، ۲۰۱۵: ۳۵).

[1] Triple bottom line (TBL)
[2] Elkington
[3] Our Common Future
[4] Brundtland Commission
[5] WCED
[6] Saxena
[7] Shaker

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.52547/scds.9.1.97]

توسعه‌ی پایدار نتایجی همچون تأکید بر رشد اقتصادی برای بهبود رفاه کلی جامعه، جایگزینی منابع تجدیدناپذیر، بهره‌گیری از فن‌آوری با هدف استفاده‌ی کم‌تر از منابع طبیعی، مدیریت زیست‌محیطی برای غلبه بر اثرات منفی رشد اقتصادی و... دارد(گوردون[1]، ۲۰۰۷: ۲۹). توسعه‌ی پایدار از دیدگاه زیست‌محیطی، غیر مخرب، از دیدگاه اقتصادی پویا و از دیدگاه اجتماعی قابل پذیرش مردم است.

در سال ۱۹۹۲، کنفرانس سازمان ملل متحد در مورد محیط‌زیست و توسعه در شهر ریودوژانیرو، منشور توسعه‌ی پایدار زمین را با نام دستور جلسه‌ی ۲۱[2] منتشر و به کشورهای جهان ابلاغ نمود که هدف آن ساختن یک جامعه‌ی جهانی دادورز، پایدار و صلح‌آمیز در سده‌ی بیست و یکم بوده است(یو.ان، ۱۹۹۲).

یکی از ابزارهای ارزیابی تحولات یک دوره با معیارهای توسعه‌ی پایدار، چارچوب نظری ارکان سه‌گانه است که نخستین بار توسط جان الکینگتون تشریح گردیده است. در این روش برای رسیدن به نتیجه باید رفتارهای یک سیستم مدیریتی را در سه حوزه‌ی پایداری اجتماعی، زیست‌محیطی و اقتصادی بررسی کرد. این سه جنبه، گاه «سه‌گانه‌ی مردم، سیاره، سود[3]» نیز نامیده شده‌اند(اسلپر و هال[4]، ۲۰۱۱).

این نظریه تأکید دارد که محافل اقتصادی همان اندازه که به سود می‌اندیشند، باید بر نگرانی‌های اجتماعی و دغدغه‌های زیست‌محیطی نیز تمرکز کنند. بر پایه‌ی کاربرد این نظریه در اقتصاد معاصر، کشورها و کمپانی‌های پرشماری در شعار یا عمل متعهد شده‌اند تا اهداف اقتصادی خود را به روشی مدیریت کنند که کسب درآمد آن‌ها وابسته به افت زندگی افراد جامعه و تخریب شرایط زیستی کره زمین نباشد.

از پیامدهای نادیده‌گرفتن این راهبرد در دوران معاصر می‌توان به تغییرات اقلیمی، تخریب جنگل‌های بارانی، آسیب به لایه‌ی ازن، بیکاری فراگیر، گسترش شکاف طبقاتی و... اشاره نمود. کاربرد این نظریه هنگام ارزیابی مدیریت کلان یک کشور اهمیتی دوچندان می‌یابد؛ مدیران یک شرکت تجاری ممکن است بدون توجه به عواقب اجتماعی و زیست‌محیطی تصمیمات خود به

[1] Gordon
[2] Agenda 21.
[3] The three Ps: People, Planet and Profit.
[4] Slaper and Hall

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]
[DOI: 10.52547/scds.9.1.97]

سودآوری کوتاه‌مدت(و نه پایدار) دست یابند، اما برای مجموعه دستگاه سیاست‌گذاری یک کشور کسب درآمد در ازای آسیب به منابع طبیعی یا تشدید تنش‌ها و معضلات اجتماعی حتی در کوتاه‌مدت نیز امکان‌پذیر نیست و قطعاً نتیجه‌ای باژگونه خواهد داشت.

یکی از چالش‌های اساسی محاسبه‌ی ارکان سه‌گانه، دشواری تخمین تأثیرات اجتماعی و زیست‌محیطی یک تصمیم اقتصادی است، به ویژه هنگامی که همچون پژوهش کنونی در پی بررسی یک موردکاوی تاریخی باشیم. سودآوری ذاتاً کمی است و اندازه‌گیری آن امکان‌پذیر است، اما تحولات اجتماعی و زیست‌محیطی دلایل متعددی دارند و رصد مرزهای آن‌ها کار ساده‌ای نیست. همچنین فاصله‌ی تاریخی و نبود آمارهای مستند، دست‌یابی به نتایج دقیق را دشوار می‌کند. با این وجود، نوشتار حاضر تلاش نموده با کاوش منابع تاریخی برای یافتن اسنادی که اشاره به تحولات اقتصادی، اجتماعی یا زیست‌محیطی دارند و نیز با قراردادن دوره‌ی پادشاهی شاه عباس اول در یک گستره‌ی تاریخی بزرگ‌تر که اقدامات شاهان پیشین و پسین را نیز در بر می‌گیرد، بر این دشواری غلبه کند.

شرایط ایران پیش از شاه عباس اول

احداث قلعه‌ها، جاده‌ها و آبراهه‌ها برای شاه اسماعیل بسیار مهم بود(پتروشفسکی، ۱۳۵۵: ۴۸۱). این رویکرد برای وی سود دوجانبه داشت: از سویی کشاورزان روستایی را جذب او می‌کرد و از سوی دیگر سطح زمین‌های زیر کشت را افزایش می‌داد که نتیجه‌ی آن رشد تولید و مالیات بود. گرچه شاه اسماعیل راه‌ها و شهرها را ایمن کرد، ولی تعصب مذهبی او امنیت را از دیگر مذاهب و ادیان گرفت. تجار غیر شیعه و غیر مسلمان از سرمایه‌گذاری در ایران محروم بودند و همه‌ی بیگانگان کافر شناخته می‌شدند.

شاه طهماسب اول سیاست پدر را دنبال نکرد و در زمان حکومت درازمدت وی اقتصاد کشور بر اساس سوء مدیریت و بی‌تدبیری او، هرج و مرج داخلی، جنگ‌های خارجی و... دچار خسارات زیادی شد. جنگ‌های مداوم وی با عثمانی موجب ویرانی و تخریب راه‌ها، کشاورزی و شبکه‌ی آبی کشور شد و بسیاری از قنات‌ها از رونق افتادند(اخضری و کجباف، ۱۳۹۲: ۴۱). در دوران پس از جنگ نیز بی‌توجهی به مردم وی را از بازسازی و عمران کشور بازداشت. توجه به سازه‌های آبی در دوره‌ی شاه طهماسب کاهش یافت و این امر زندگی مردم و حجم تولیدات کشاورزی و به تبع آن اقتصاد کشور را رو به رکود برد(اخضری و کجباف، ۱۳۹۲: ۴۲-۳۸). گرچه

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.52547/scds.9.1.97]

برخی از اقدامات وی همچون صلح آماسیه با عثمانیان یا انتقال پایتخت از تبریز به قزوین دور از مرزهای پرخطر(سیوری[1]، ۲۰۰۷: ۶۳) را می‌توان برای کشور سودمند به شمار آورد.

عباس هجده ساله هنگام فتح قزوین و نشستن بر تخت شاهی ایران با اوضاعی بسیار وخیم روبه‌رو بود؛ در غرب و شمال‌غربی تقریباً همه‌ی ولایات مرزی با امپراطوری عثمانی، به اشغال عثمانیان درآمده بود. در شرق، نیمی از ولایت خراسان مورد تاخت و تاز ازبکان بود. پرتغالی‌ها در جزایر و سواحل خلیج فارس حاکمیت ایران را سلب کرده بودند. در صحنه‌ی داخلی، طی دوازده سالی که از مرگ طهماسب گذشته بود، قدرت پادشاه به نحو فاحشی کاهش یافته بود؛ دسته‌بندی قبیله‌ای قزلباش‌ها مجدداً به شکل حادی بروز کرده بود و دوگانگی بنیانی میان ترک‌ها و ایرانیان در درون حکومت به همان شدت ابتدای دوره بازگشته بود. خزانه نیز در اثر اسراف و تبذیرهای محمدشاه خالی بود(آقاجری و مشفقی‌فر، ۱۳۸۹: ۱).

شرایط ایران در دوره‌ی شاه عباس اول

از آن‌جایی که این دوره محور اصلی موردکاوی نوشتار حاضر است، با بهره‌گیری از منابع گسترده‌تر و واکاوی ژرف‌تر سویه‌های گوناگون موضوع، تلاش خواهیم نمود تا تصویری مستند از تأثیر سیاست‌های مدیریتی شاه عباس اول بر بهبود شرایط کشور ارائه کنیم.

شمار بسیاری از جهان‌گردان اروپایی در دوره شاه عباس اول به ایران سفر کرده‌اند که تحلیل‌ها و توصیفات آن‌ها را می‌توان مهم‌ترین منابع دست اول برای فهم وضعیت این دوره از دیدگاه ناظران بیرونی دانست. برخی از آن‌ها دست به انتشار سفرنامه‌ی خویش به یکی از زبان‌های اروپایی زده‌اند که از این جمله می‌توان به لامبر(۱۵۹۸)، دی‌گووا(۱۵۹۸)، برادران شرلی(۱۵۹۹ ـ ۱۶۲۷)، مین‌وارینگ(۱۵۹۹ ـ ۱۶۰۰)، کارت‌رایت(۱۶۰۰)، دون‌ژوان ایرانی(۱۶۰۰)، میلدن‌هال(۱۶۰۰ ـ ۱۶۰۶)، زالون‌کمنز(۱۶۰۲)، تکسیرا(۱۶۰۴)، سیمون(۱۶۰۷)، سالبانک(۱۶۰۹)، سان‌برناردینو(۱۶۱۱)، کروثر(۱۶۱۵ ـ ۱۶۱۶)، ستیل(۱۶۱۵ ـ ۱۶۱۶)، کوریات(۱۶۱۶)، دلاواله(۱۶۱۶ ـ ۱۶۲۳)، فیگوئرا(۱۶۱۸)، هابز(۱۶۱۹ ـ ۱۶۲۰)، هم(۱۶۲۳)، هربرت(۱۶۲۷ ـ ۱۶۲۸)، پروینس(۱۶۲۸) و شینون(۱۶۲۸ ـ ۱۶۵۰)[2] اشاره نمود(ن.ک: کرزن[1]، ۱۸۹۲: ۱۷–۱۶).

[1] Savory

[2] C. Lambert (1598), Antonio di Govea (1598), Sir Anthony and Sir Robert Sherley (1599-1627), G. Mainwaring (1599-1600), John Cartwright (1600), Don Juan de Persia (1600), Sir John Mildenhall (1600-1606), S. K. Zalonkemenz (1602), Pedro Teixeira (1604), Pere Paul Simon (1607), Joseph Salbancke (1609), Fray Caspar de San Bernardino (1611), John Crowther (1615–

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.52547/scds.9.1.97]

بدیهی است که چهار سده فاصله و توصیفات کیفی شاهدان، این پژوهش تاریخی را از دست‌یابی به آمارهای جزیی و دقیق برای مقایسه‌ی نقطه به نقطه تغییرات ناکام می‌گذارد. با این وجود منابع اسنادی، به‌ویژه نوشتارهای جهان‌گردان اروپایی که در جایگاه ناظران بی‌طرف خارجی وضعیت کلی کشور ایران را توصیف نموده‌اند، دربرگیرنده‌ی تحلیل‌هایی از دلایل اوج‌گیری قدرت مرکزی پادشاه و مقایسه‌هایی سودمند میان زندگی ایرانیان با مردمان هم‌عصرشان در اروپا است. در ادامه، با بهره‌گیری از این داده‌ها تلاش خواهیم کرد ارکان سه‌گانه‌ی مدنظر الکینگتون در حوزه‌های پایداری اجتماعی، زیست‌محیطی و اقتصادی(سه‌گانه‌ی مردم، سیاره، سود) را در آن دوران ارزیابی کنیم.

گشایش اجتماعی در دوره‌ی شاه عباس اول: اوج فعالیت سیاسی، فرهنگی و اجتماعی سلسله‌ی صفویه با دوران طولانی حکومت شاه عباس اول هم‌زمان است. وی سیاست پردامنه‌ای را با هدف برقراری روابط دیپلماتیک، بازرگانی و فرهنگی پایدار با دولت‌های اروپایی در پیش گرفت. او همچنین به امور داخلی کشور و برقراری نظم و دادگری توجه بسیار نشان می‌داد. شرلی می‌نویسد: «پادشاه ایران از هنگام جلوس خود مملکت را به‌طوری مطیع و امن کرده است که شخص می‌تواند در تمام مملکت مسافرت کند، بدون این که اسلحه‌ای با خود داشته باشد»(شرلی، ۱۳۷۸: ۶۸ ـ۶۵). وی همچنین ذکر می‌کند که گاه‌گاهی پادشاه با لباس مبدل به بازار می‌رود که ببیند نظم شهر در چه حالتی است. او با انتقال شماری از گرجیان و ارمنیان به اصفهان و تشکیل نیرویی نظامی از آنان، افزون بر پی‌گیری سیاست فروکاستن از قدرت قزلباش‌ها، نگاهی نیز به تأثیرات فرهنگی این مهاجرت داشت. وی همچنین فضای مناسبی برای اقامت امن کلیمیان، زردشتیان و هندوان در اصفهان مهیا ساخته بود که تختگاه او را به یک مادرشهر بدل می‌ساخت. این رواداری سیاسی که به اسکان شمار بسیاری از مهاجران از نژادها و ادیان متفاوت در اصفهان انجامید، سبب شد پایتخت شاه عباس بافتی فراقومی و چندمذهبی بیابد.

شاه عباس اول منطقه‌ای را ویژه‌ی سکونت ارامنه در اصفهان احداث نمود و جلفا نام نهاد. وی نه‌تنها فرمان‌هایی مبنی بر خودمختاری آنان در این منطقه صادر کرد، بلکه به منظور تأمین

1616), Richard Steele (1615-1616), Thomas Coryate (1616), Pietro Della Valle (1616–1623), Don Garcias de Silva y Figueroa (1618), Giles Hobbs (1619-1620), Nicholas Hemm (1623), Sir Thomas Herbert (1627-1628), Pere Pacifique de Provins (1628), Pere Gabriel de Chinon (1628-1650).

اعداد درون پرانتز نشان‌دهنده تاریخ سفر جهانگردان یادشده به ایران است.

[1] Curzon

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.52547/scds.9.1.97]

مایحتاج مادی و معنوی آن‌ها با دادن آزادی‌های مذهبی و با ساخت کلیسا در اصفهان موافقت نمود(جناب، ۱۳۷۶: ۲۲۹؛ جواهرکلام، ۱۳۱۳: ۵۵). شاه صفوی پس از آن، در اعیاد ارامنه به کلیسا می‌رفت و گاه در منزل بزرگان ارامنه، به هم‌نشینی با آن‌ها می‌پرداخت. شاه عباس اول حتی گاه خود در کنار چهل هزار گرجی و ارمنی اصفهان در مراسم خاج‌شویان شرکت می‌نمود(فلور و هرزیگ[1]، ۲۰۱۵: ۴۸۳).

شاه با تدبیر سیاست‌های اقتصادی و تخفیف امتیازات مالیاتی به بازرگانان و هم‌چنین دادن حق انتخاب شهردار از ملیت خودشان، ارامنه را به جامعه‌ای خود مختار بدل ساخت(سیوری، ۱۳۹۴: ۹۵ـ۱۰۰؛ فیگوئرا، ۱۳۶۳: ۳۲۰). شهر جلفا، مانند یک جمهوری بود که میان ملتی بیگانه ایجاد شده باشد(هنوی، ۱۳۶۸: ۱۱۳) و ارمنیان در اثر تجارت با اروپا به ثروت فراوانی دست یافتند.

زرتشتی‌ها نیز از حقوقی مشابه دیگران برخوردار بودند و آتشکده‌ی فعال و اجازه برگزاری مراسم مذهبی خاص خود را داشتند. همچنین یهودیان اصفهان در کوی ویژه‌ی خود سه باب کنیسه‌ی دایر داشته‌اند(شاردن، ۱۳۵۰، ج۷: ۲۲۱).

تغییرات نظام اجتماعی در ساختار اداری کشور نیز بازتاب یافت: مقام‌های وکالت و امیرالامرایی رفته‌رفته از بین رفتند. اهمیت مقام صدارت، که ریاست روحانیون را بر عهده داشت، تنزل یافت. در مقابل اداره‌ی امور کشور بر دوش دیوان‌سالاران نهاده شد. دیوانیان سپاه و حشمی نداشتند که خطرناک باشند؛ اما دارای تخصص دیوانی بودند که برای برنامه‌های نوسازی شاه عباس اول مفید بود(آقاجری و مشفقی‌فر، ۱۳۸۹: ۱۰). سیوری(۱۳۹۴: ۱۸۰) معتقد است جامعه‌ی صفوی را به تعریف فرهنگ امروز باید فضیلت‌سالار نامید؛ نظام حکومتی صفوی قطعاً اشراف‌سالار نبود، اگرچه عناصر قدرتمند اشرافی هم در آن بودند. در این جامعه صاحب‌منصبان بر اساس ارزش و شایستگی‌شان و نه بر اساس نسب‌شان منصوب می‌شدند؛ به همین دلیل با رضایت، جان خود را به خطر می‌انداختند؛ زیرا می‌دانستند که این تنها راه ترقی تا بالاترین مدارج است.

در این دوره گرجیان، ارمنی‌ها و چرکس‌ها به بالاترین مقامات کشوری منسوب شدند(مینورسکی، ۱۳۳۴: ۲۷) و حتی برخی از ایالات همچون فارس، شروان و قراباغ تحت نظارت حکمرانان گرجی اداره می‌شد. نمونه بارز آن اله‌وردی‌خان گرجی بود که نه‌تنها مقام

[1] Floor and Herzig

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.52547/scds.9.1.97]

قوللرآقاسی یا فرماندهی هنگ‌های غلامان، یکی از پنج مقام عمده کشور در آن دوره، را برعهده داشت، بلکه حکمران ولایت ثروتمند فارس نیز بود. مینورسکی (۱۳۳۴: ۲۶)، بر اساس اشارات اسکندربیک منشی، در مورد اوایل حکومت شاه عباس اول می‌گوید که از مجموع ۸۹ امیر، ۷۴ تن از قزلباش و ۱۵ تن از غلامان بودند و در واقع پنج‌یک کارها به دست عناصر جدیدی افتاده بود که ترقی و تعالی آنان مرهون لیاقت شخصی و اطمینان به شاه بود نه وراثت و اصل و نسب. کلید موفقیت شاه عباس اول در این امر نهفته بود که تعادل ظریفی را میان عناصر مختلف نظام (ترک‌ها، ایرانیان و قفقازی‌ها) حفظ کرد. پس از وی، بی‌توجهی جانشینانش به حفظ این تعادل از عوامل مهم سقوط این دودمان بود.

در این دوره سران سپاه و کارگزاران دولت از بیم سیاست شاه به انجام وظیفه مشغول شده و اندیشه‌ی خودسری را از سر به‌در کرده بودند(پازوکی، ۱۳۱۶: ۳۳۹). شاه عباس اول مجموعه‌ی جدید شهری را در کنار بافت قدیمی سلجوقی ایجاد کرد؛ در این بین سنت وقف که در این دوره شکوفا شد، امکانات و خدماتی همچون مسجد، حمام، سقاخانه و... را برای مردم عادی بیش از پیش فراهم کرد(تقوی و دیگران، ۲۰۱۶: ۸). کاروان‌سراها به‌ویژه برای استفاده‌ی مسافران تهیدست ساخته شده بودند که می‌توانستند تا هر مدتی که مایل بودند بدون پرداخت پول در آن‌جا بمانند. دلاواله(۱۳۴۸: ۴۰) می‌نویسد باغ‌های اصفهان متعلق به شاه است؛ ولی مردم عادی با آزادی کامل از آن‌ها استفاده می‌کنند و آن‌قدر میوه در آن‌ها وجود دارد که برای تمام شهر کافی و حتی زیاد است.

در دوره‌ی صفوی مجموعه‌ای از جشن‌های مذهبی و ملی در ساختار شهری زنده می‌شوند؛ خیابان چهارباغ، پل‌های زیبا و میدان نقش‌جهان فضای بی‌نظیری برای برگزاری این مراسم فراهم می‌کنند. برای مثال اسکندربیک منشی برگزاری جشن آب‌پاشان در اصفهان را این‌گونه توصیف می‌کند: «در اول تحویل سلطان که به عرف اهل عجم و شگون کسری و جم روز آب‌پاشان است، به‌اتفاق در چهارباغ صفاهان تماشای آب‌پاشان فرمودند و در آن روز زیاده از صدهزار نفس از طبقات خلایق و وضیع و شریف در خیابان چهارباغ جمع آمده به یکدیگر آب می‌پاشیدند»(ترکمان، ۱۳۵۰: ۸۳۸).

حفاظت از محیط‌زیست در دوره‌ی شاه عباس اول: ایران امروز با چالش‌های زیست‌محیطی گوناگونی همچون آلودگی آب و خاک، فرونشست زمین، بیابان‌زایی، فرسایش خاک، نابودی جنگل‌ها و مراتع، تغییرات اقلیمی و از همه بحرانی‌تر مدیریت نادرست منابع آبی رویارو است. رسیدن به راه‌حل‌هایی برای این مشکلات قطعاً نیازمند بازخوانی تجربیات تاریخی است. در این

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.52547/scds.9.1.97]

میان، کمبود آب و چگونگی مدیریت منابع محدود موجود همواره جدی‌ترین محور چالش‌های زیست‌محیطی برای ایرانیان بوده است. فراهم‌آوردن آسایش و نشاط برای شهرهایی که در اقلیم گرم و خشک فلات ایران بنا گردیده، همواره وابسته و در گرو تأمین منابع کافی آب و بهبودبخشی شیوه‌های آب‌رسانی به این شهرها بوده است.

در دوره‌ی حکومت شاه عباس اول اهتمام بسیاری برای سازمان‌دهی به سامانه‌ی حیاتی مدیریت بر منابع آب صورت گرفت. پایتخت او در کناره‌ی رودی بنا شده که با گذشتن از دیواره‌ی استوار کوهسار زاگرس به رگ اصلی زندگی در فلات ایران بدل می‌شود. افزایش پرشتاب جمعیت اصفهان در دوره‌ی وی نیاز روزافزونی را به منابع آب ایجاد می‌نمود. سهم‌بندی‌ها و تقسیمات دقیق آب این رود و نظارت دایمی دربار بر این سیستم نشان از آگاهی شاه عباس اول از اهمیت کنترل مداوم منابع آب دارد.

داستان اصفهان، با تاریخ غنی و طولانی‌اش و رگ حیاتی آن زاینده‌رود به‌روشنی چالش رویارویی جامعه را با شرایط کمبود آب به تصویر می‌کشد(موله و دیگران[1]، ۲۰۰۹: ۱۹۶). زندگی در اصفهان هم به حیات زمین‌های زراعی پیرامون آن و هم به گردش آب در شهر وابسته بود. بسیاری از پژوهش‌گران معتقدند که درخشش این شهر بی‌تردید مرهون نظام استوار مدیریت آب است(محمودیان و قیومی، ۱۳۹۲: ۱۴۲). اشارات پرشمار تاریخی آشکار می‌سازد که شاه عباس اول اهتمام و حساسیت ویژه‌ای برای اجرای درست قوانین تقسیم آب داشته است و مدیران امین و معتمدی برای این امر برمی‌گزیده است؛ مثلاً علی‌بیگ، میرآب دارالسلطنه‌ی اصفهان، سرداری خراسان را نیز بر عهده داشت و خطا و کوتاهی وی در سرداری خراسان، سبب عزل او از مقام میرآبی اصفهان نیز شد(وحید قزوینی، ۱۳۲۹: ۲۳۸).

با بررسی *طومار شیخ بهایی*(۱۳۰۷) مشخص می‌شود که در تنظیم آن هم مدیریت حجمی و هم مدیریت زمانی آب به دقت مورد توجه بوده؛ به شکلی که سهم هر فضا بر اساس وسعت آن و گستردگی نیاز آبی‌اش تعیین شده است. برای مثال باغ هشت‌بهشت دارای هشت سهم از لت هشت‌بهشت است، در صورتی که باغ گلدسته در مجاورت آن با وجود وسعت کم‌تر دارای چهارده سهم است، که به نظر می‌رسد به دلیل غنی‌تربودن بافت گیاهی این باغ و نیاز آبی بیش‌تر اعمال شده. یکی از نکات مهم دیگر توجه به نقش زیباشناسانه‌ی آب و اهمیت حضور دایمی‌اش

[1] Molle et al

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.52547/scds.9.1.97]

در محدوده‌ی شهری است که در این راستا سهم مشخصی پیش‌بینی گردیده. مدیریت زمانی نیز با روشی دقیق طراحی شده و در آن دوره‌های کم‌آبی و پرآبی و همچنین نیازهای آبی هر یک از محصولات زیر کشت در بالادست و پایین‌دست رودخانه در نظر گرفته شده است.

با تطبیق طرح توسعه‌ی اصفهان صفوی با دیدگاه‌های رایج در طراحی شهری معاصر، می‌توان گفت طراحان صفوی گسترش اصفهان را بر اساس طراحی شهری حساس به آب[1] برنامه‌ریزی نموده‌اند. برتری دادن به عناصر طبیعی در مقابل عناصر مصنوع یکی از عوامل زیبایی فضا در طراحی شهری است(کارمونا[2]، ۲۰۰۳: ۱۳۱). از سوی دیگر ترکیب سازه‌ها با طبیعت در روند ساخت و ساز شهری به بهبود فرآیندهای اکولوژیکی محیط کمک می‌کند(ورنون و تیواری[3]، ۲۰۰۹: ۷۹۰). حضور آب در بافت شهر به توسعه‌ی فضاهای باز عمومی و استفاده‌ی چندمنظوره از آن‌ها(تفریح و سرگرمی، ورزش در آب و...) می‌انجامد(لانگنباخ و دیگران[4]، ۲۰۰۸: ۷). هنگامی که آب جاری عنصری قابل‌مشاهده در شهر باشد، توجه شهروندان را به خود جلب کرده و آن‌ها را از اهمیت چرخه‌ی طبیعی آب آگاه می‌کند(هویر و دیگران[5]، ۲۰۱۱: ۳۰).



نقشه شماره‌ی یک- پراکنش شبکه‌ی مادی‌ها در اصفهان معاصر، بر اساس برداشت‌های سازمان فاوا (نگارندگان، ۱۳۹۷).

[1] Water Sensitive Urban Design.
[2] Carmona
[3] Vernon & Tiwari
[4] Langenbach et al
[5] Hoyer et al

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.52547/scds.9.1.97]

بیان هماهنگ و هم‌آوای فضاهای شهری در مکتب شهرسازی اصفهان بسیار مورد توجه است؛ حبیبی(۱۳۷۷: ۴۹) بر این باور است که با توجه به وحدت اجتماعی کار، حضور مستقیم و همه‌جانبه‌ی دولت و همسانی‌های اجتماعی ـ اقتصادی در پهنه‌ی شهر و روستا، در مکتب اصفهان شهر در محیط پیرامونی مستحیل می‌شود؛ از این‌رو در توافق کامل با طبیعت پیرامون خویش و در هم‌زیستی و وحدت چندسویه با روستاهای اطراف خود است.

وجود آب جاری در مادی‌ها به عنوان یک محور طبیعی خطی باعث گردیده که از آن‌ها به‌عنوان رگ‌های حیاتی شهر اصفهان یاد شود. اگرچه مادی‌ها پیش از صفویه نیز در منطقه‌ی اصفهان وجود داشته‌اند(ناصرخسرو، ۱۳۸۴: ۱۶۶؛ حمداله مستوفی، ۱۳۶۴: ۲۴۸)، اما تنها برای آبیاری مزارع و باغ‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفتند و شبکه‌ی گسترده‌ی مادی‌های بافت شهری در دوره‌ی شاه عباس اول احداث گردیده است. جدا از فلسفه‌ی کاربردی وجود مادی‌ها برای آب‌رسانی به محلات، اهمیت آن‌ها از جنبه‌های دیگر نیز مورد توجه است؛ حضور زنده‌ی رودخانه در ترکیب اصفهان صفوی پیونددهنده‌ی عناصر طبیعی با تمامیت شهر بوده است. کارکرد دیگر این سازه‌های شهری جمع‌آوری آب‌های سطحی حاصل از بارندگی است که مانع از آب‌گرفتگی معابر شهری می‌شده. با وجود قطع بسیاری از شاخه‌های مادی‌ها پس از صفویان، این عملکرد امروزه نیز همچنان کاربردی است و اصفهان را در برابر سیل محافظت می‌کند(نقشه‌ی ۱).



شکل شماره‌ی یک- کانال آب مکشوفه در نزدیکی بازار هنر(نگارندگان، ۱۳۹۶).

جریان آب در فضای شهری اصفهان با جذب گرمای خورشید سبب کاهش دما می‌شود. همچنین بافت آبرفتی زمین‌های اطراف رودخانه تبادل هیدرولیکی بین لایه‌های زمین را تسهیل می‌کند. این ویژگی نیز بر اهمیت مادی‌ها در ساختار شهری می‌افزاید؛ زیرا وجود این جریان‌های آبی به غنی‌شدن ذخیره‌های آب زیرزمینی کمک شایانی می‌کرده است. بر پایه‌ی

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.52547/scds.9.1.97]

بررسی‌های میدانی نگارندگان، بخشی از مسیر این انشعابات ساختار زیرزمینی داشته است(شکل ۱).

این امر به دلایل مختلفی صورت می‌گیرد؛ در اصفهان به عنوان شهری گرم و خشک میزان تبخیر بالا است و عبور بخشی از مسیر آب‌رسانی از زیر زمین می‌تواند راهکاری برای کاهش اثر تبخیر بر حجم آب بوده باشد. دلیل دیگر این امر می‌تواند کنترل حضور آب در طراحی مجموعه‌های شهری چون خیابان چهارباغ باشد؛ سه مادی نیاصرم، فرشادی و جوی‌شاه در موازات یکدیگر محور خیابان را قطع می‌کنند؛ اما هر سه در این بخش دارای مسیری زیرزمینی بوده و نمودی خارجی در بافت موزون چهارباغ ندارند.

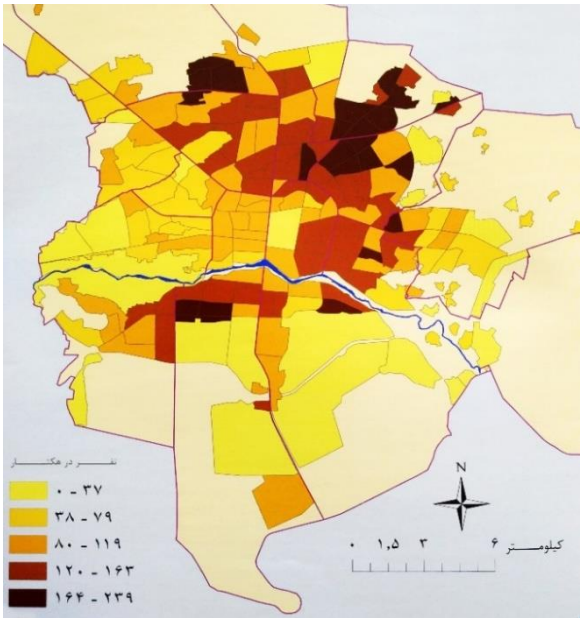
هنگامی که قرار شد هزاران صنعت‌گر ماهر ارمنی از جلفا به جلفای نو در حومه‌ی اصفهان انتقال یابند، محلات جدید در مکان‌هایی احداث شدند که آب‌رسانی به آن‌ها راحت‌تر باشد. در این راستا مادی‌های جدیدی حفر و حق‌آبه‌ای برای هر یک منظور شد. درواقع توسعه‌ی اصفهان به سمت جنوب‌غربی زمینه را برای استفاده‌ی راحت‌تر از آب رودخانه فراهم می‌کرده است؛ در این شرایط دسترسی به آب سالم‌تر و با هدررفت کم‌تر (با تبخیر پایین و فرونشست کم‌تر در زمین)، امکان‌پذیر می‌شده است. سایر محله‌ها و ساختمان‌های جدید در تختگاه شاه عباس اول نیز در ساختار فضایی از پیش تعیین‌شده‌ای احداث گردیده‌اند که بر توسعه در پیوند با طبیعت و رودخانه استوار است. آب‌رسانی به محله‌های نوساز جلفا، عباس‌آباد و گبرآباد توسط انشعابات جدید رودخانه پیش‌بینی شده است. قرارگیری این محلات تازه در ضلع غربی و جنوب‌غربی بافت کهن شهر شگرد دیگری برای جلوگیری از هدررفت آب در ابعاد وسیع بوده؛ زیرا شبکه‌ی خوشه‌ای مادی‌های شهر از غرب به شرق گسترش یافته و بر همین اساس در بخش‌های شرقی شهر هدررفت آب به دلیل تبخیر و نشت در زمین بیش‌تر بوده.

یکی از شواهدی که می‌تواند دقت طرح اندیشمندانه‌ی توسعه‌ی اصفهان در دوره‌ی شاه عباس اول را آشکار کند، تداوم اسکان در اصفهان تا امروز است. نقشه‌ی ۲ پراکنش جمعیت در بخش‌های مختلف اصفهان کنونی را نشان می‌دهد. بر اساس این نقشه تمرکز جمعیت در عصر حاضر نیز دقیقاً در نقاطی است که مدیریت صفوی در نظر داشته؛ به شکلی که پرجمعیت‌ترین مناطق شهر شامل بافت کهن، بافت صفوی (چهارباغ، دولت‌خانه و میدان نقش‌جهان)، جلفا و محلات صفوی‌ساز بخش غربی است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.52547/scds.9.1.97]

باغ‌سازی در طرح جامع توسعه‌ی شهری اصفهان صفوی بسیار مورد توجه بوده است. باغ‌های شاهی و شهر از طریق دو فضای عمومی اصلی پیوند می‌یافتند: خیابان چهارباغ و میدان نقش‌جهان. هر یک از این دو فضا بخشی از باغ‌ها را سامان و ساختار می‌داد. (عالمی، ۱۳۸۵: ۷۸). در این بین گردشگاه‌های سلطنتی توجه سیاحان و تاریخ‌نگاران این دوره را بیشتر به سوی خود جلب می‌نموده است.



نقشه شماره‌ی دو- پراکنش جمعیت در بخش‌های مختلف شهر اصفهان امروز(گلستان‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۴: ۸۱).

یکی دیگر از اقدامات هوشمندانه شاه عباس اول برای حفظ منابع زیست‌محیطی، تلاش برای تبدیل اقتصاد وابسته به کشاورزی به اقتصاد تجارت‌محور بود که با انتقال صنعت‌گران و بازرگانان به اصفهان، برقراری امنیت سیاسی، بازسازی و ایمن‌سازی راه‌های تجاری کشور، فعال نمودن بنادر شمالی و جنوبی، برقراری نظم در ارتش و سیستم مالیات و تاسیس شهرهای تازه و کاروانسراهای پرشمار در مسیر راه‌های تجاری صورت گرفت. به باور تاورنیه[1] (۱۷۱۲: ۷۵) شاه عباس اول به‌سبب آگاهی از اقلیم خشک ایران، تأکید بسیاری بر ایجاد روابط تجاری پایدار با کشورهای اروپایی داشته است.

رشد اقتصادی در دوره‌ی شاه عباس اول: در این دوره اصفهان به شهری پررونق و مرکزی برای تبادلات اقتصادی بدل شد؛ بازرگانان از چین، هند، آسیای مرکزی، عربستان، آناتولی و اروپا برای خرید اشیای تجملی ساخت صنعت‌گران صفوی به اصفهان روی می‌آوردند. علاوه بر بازرگانان شرقی که در جست‌وجوی امتیازات تجاری بودند، شمار بسیاری از اروپاییان نیز به سوی

[1]Tavernier

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.52547/scds.9.1.97]

اصفهان جذب شدند. از راهکارهای مهم صفویان برای رونق بخشیدن به اقتصاد کشور می‌توان به کوچاندن اقوامی با تخصص صنعت‌گری و بازرگانی به پایتخت اشاره نمود. شهرت تجاری اصفهان باعث شد که مردمانی از اقوام و ملیت‌های گوناگون مانند هندی‌ها، تاتارها، شاخه‌های مختلفی از ترک‌ها، یهودی‌ها، ارمنی‌ها، گرجی‌ها، انگلیسی‌ها، هلندی‌ها، فرانسوی‌ها، ایتالیایی‌ها و اسپانیایی‌ها برای انجام امور تجاری در این شهر زندگی کنند(اولئاریوس، ۱۳۸۵: ۲۴۲). فرایر[1](۱۶۹۸: ۳۳۹) می‌نویسد پیش از این که اروپاییان راه دریایی تجارت با هند را بیابند، اصفهان انبار و بازار اصلی برای خرید و فروش پارچه‌های هندی بوده است.

از آن‌جایی که در این دوره جاده‌ها تحت کنترل و نظارت دولت قرار گرفت، معاملات محصولات آسان‌تر و با امنیت بیش‌تری انجام گردید(اخضری و کجباف، ۱۳۹۲: ۴۲). در این دوره با احیا و تأمین امنیت شبکه‌ی راه‌های ارتباطی از طریق احداث پل‌ها و کاروان‌سراها، فعال‌سازی بنادر شمالی و جنوبی در راستای تجارت دریایی، تثبیت فضای سیاسی و ایجاد امنیت اقتصادی به‌وسیله‌ی بازپس‌گیری مناطق تصرف‌شده و نیز در دست گرفتن تجارت کالای راهبردی ابریشم از طریق تبدیل املاک ممالیک به خاصه، موجبات رشد و توسعه‌ی همه‌جانبه‌ی حکومت صفویان فراهم شد(لمبتون، ۱۳۷۷: ۲۱۳). به گزارش تاورنیه(۱۳۸۹: ۷۵) شاه عباس اول که نبوغی عظیم داشت و با همت و جسور بود، چون ارزیابی کرد که ایران کشوری خشک است مصمم به گسیل اشخاصی به اروپا با ابریشم خام ایران شد که در این راه از وجود ارامنه سود برد.

سلطنت شاه عباس اول همچنین نقطه‌ی اوج شکوفایی هنرهای گوناگون است. با حمایت و تشویق شاه، قالی‌بافی از سطح یک صناعت روستایی تا حد هنری ظریف ارتقا یافت. منسوجاتی که در زمان او در مراکز بزرگ بافندگی اصفهان، یزد، کاشان و رشت تهیه می‌شد، در درخشندگی رنگ و طرح نظیری نداشتند. ابریشم، حریر و زربفت‌های ایرانی شهرت یافتند. فنون کتاب‌سازی، تذهیب و تصویرنگاری نسخ خطی، خوشنویسی و صحافی به اوج خود رسید. سفال‌های صفوی در بازارهای اروپا به رقابت با تولیدات چین پرداختند. عمارات با کاشی‌های رنگارنگ لعاب‌دار و موزاییک‌های زیبا و بی‌نظیر پوشانده می‌شد(سیوری، ۱۳۹۴: ۹۲). در دوره‌ی شاه عباس اول کشتی‌های فراوانی برای خرید کالاهای بازرگانی ایران وارد جزیره‌ی هرمز می‌شدند. بیش‌ترین کالایی که این کشتی‌ها به ایران وارد می‌کردند پارچه‌های هندی و ادویه بود. هلندی‌ها تجارت

[1] Fryer

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.52547/scds.9.1.97]

ادویه را در دست داشتند و علاوه بر این کالا، شکر و مس نیز به ایران وارد می‌کردند و در مقابل اجناس گوناگونی همچون مخمل، ابریشم خام، قالی‌های گران‌بها، طلا و نقره از ایران صادر می‌کردند. انگلیسی‌ها نیز دارو، پشم، خرما، اسب و بز از ایران می‌خریدند(فرایر، ۱۶۹۸: ۲۲۴ـ۲۲۳).

شرایط ایران پس از شاه عباس اول

شاه عباس اول در ابتدا به سنت اجدادی، پسرانش را تحت نظارت سران قزلباش به امیری ولایات می‌گمارد تا از خردسالی سرمشق شاهی کنند، اما خاطراتی که از جاه‌طلبی امرای قزلباش در کودکی به یادش مانده بود، در کنار شورش قیم پسر دومش حسن در مشهد، همکاری احتمالی پسر بزرگش صفی میرزا با سران یاغی چرکس و درخواست پسر چهارمش محمدرضا میرزا از بزرگان قزلباش برای قیام علیه شاه(سیوری، ۱۳۹۴: ۹۱) دلایلی بودند که او را تا پایان زندگی به فرزندان و نوه‌های پسرش بدگمان ساخت. وی که خود با کنارنهادن پدر و برادر بزرگ‌ترش به قدرت رسیده بود، شاهزادگان را در دربار ساکن کرد تا از نزدیک بر آنان نظارت داشته باشد و بدین‌سان پس از مرگش جانشین لایقی برای ادامه‌ی سیاست‌های مدیریتیش در توسعه‌ی ایران وجود نداشت.

سام میرزای جوان نوه و ولیعهد شاه عباس اول که پس از مرگ وی با نام شاه صفی بر تخت ایران نشست، در حرم و نزد مادر خویش پرورش یافته بود و درک یا تجربه‌ای از اداره‌ی مملکت نداشت. او شاهی خشن و ناتوان بود که ولایت عراق را در جنگ با عثمانیان از دست داد. گفته شده که شاه صفی تا آخر عمر نتوانست بر خواندن و نوشتن تسلط یابد(جکسون[1]، ۱۹۸۶: ۲۸۱). فرزند وی شاه عباس دوم نیز که در ده سالگی تاج یافت، گرچه پس از رسیدن به سن رشد موفق به فتح قندهار شد و آرامش نسبی را به ایران برگرداند، اما هرگز نتوانست شکوه روزگار زمامداری جد هم‌نام خود را باززنده سازد(ن.ک: جعفریان، ۱۳۸۰: ۳۴۱ـ۲۹۸).

با این وجود، نظم ساختاری که شاه عباس اول پایه‌ریزی نموده بود دستکم تا چهار دهه پس از مرگ وی نیز پایدار ماند. شاردن که در دوره‌ی شاه عباس دوم به ایران سفر کرده، ایرانیان را متمدن‌ترین ملت شرق و مردمانی درس‌آموخته و خوش‌رفتار می‌داند که از آداب ارتباط اجتماعی به‌خوبی آگاهی دارند(فریر[2]، ۱۹۹۶: ۱۱۳ـ۱۱۱). بخش مهمی از این شیوه‌ی رفتار را می‌توان برآمده

[1] Jackson
[2] Ferrier

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]
[DOI: 10.52547/scds.9.1.97]

از ساخت مدرسه‌های بسیار در دوره‌ی شاه عباس اول دانست که پس از وی نیز حکومت از آن‌ها حمایت می‌نمود. کمپفر[1](۱۳۶۳: ۱۹۱) می‌نویسد اصفهان دارای یک بیمارستان و بیش از صد مسجد و مدرسه و تعداد بیشماری حمام و مسافرخانه است؛ وی زیبایی و ویژگی‌های معماری این تأسیسات را ستوده و آن‌ها را از سایر بناهای شهری متمایز می‌داند.

شاردن بر این باور است که هیچ سرزمین امپراتوری وجود ندارد که مردم آن کم‌تر از ایران در فشار مالیات و خراج باشند. رعایا چیزی به عنوان سرانه نمی‌پردازند و زاد و توشه‌ی ضروری زندگی از مالیات معاف است(فریر، ۱۹۹۶: ۳۳۲). او می‌نویسد: «کارگران برای تمام مدت عمر تأمین هستند، بدون این‌که هیچگاه از کار بیکار شوند. هنگامی که بیماری یا هرگونه حادثه کارگر را عاجز از کار سازد، دیناری از حقوق او کسر نمی‌کنند، بلکه با انسانیت شگفت‌انگیزی ناظر بر درخواست بیمار، او را به پزشک یا داروساز دربار سفارش می‌کند تا بدون پرداخت پول معالجه گردد(شاردن، ۱۳۵۰، ج۷: ۱۰۵). به باور وی کشاورزان ایران سطح زندگی بهتری از کشاورزان بیش‌تر کشورهای حاصل‌خیز اروپا دارند(بایروش[2]، ۱۹۹۵: ۱۰۷).

در این دوره اگر مالیات اضافی از کسی گرفته می‌شد، مأمور مالیات مورد مواخذه قرار می‌گرفت. شاه به نظام اجرایی کشور توجه داشت و در کار حاکمان و فرماندهان دقت می‌کرد(فاضل، ۱۳۷۶: ۱۰۳). به گزارش وحید قزوینی(۱۳۲۹: ۳۰۷)، هنگامی که مردم بر اثر خشک‌سالی به درِ دولت‌خانه گرد آمده و خروش و فغان برآوردند، شاه عباس دوم ناظر بیوتات را مأمور نمود تا اربابان دارالسلطنه‌ی اصفهان را احضار و اجناس احتکارشده را جمع‌آوری و آن‌ها را در اختیار مردم قرار دهد.

شاه عباس دوم در فرمانی اجازه می‌دهد تا هر کلیسایی که از قدیم آباد بوده و در این مدت خراب شده خلیفه بتواند آن را تعمیر کند و فعال باشد. شاردن(۱۳۵۰، ج۲: ۵۱۷) اشاره می‌کند ارمنیانی که به خاطر شغل خود همواره از منطقه‌ای به منطقه‌ی دیگر در سفر و تجارت بودند؛ وقتی به محل جدید وارد و در آن جا به بازرگانی و خرید و فروش مشغول می‌شدند، کسی نمی‌توانست آن‌ها را مجبور به تغییر دین کند.

[1] Kaempfer
[2] Bairoch

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.52547/scds.9.1.97]

سلطنت شاه صفی دوم را می‌توان پایانی برای ساختار مدیریتی کارآمدی دانست که شاه عباس اول بنیان نهاده بود. سه سال نخست حکومت وی چنان آکنده از آشوب و بلا بود که تصمیم گرفت یک بار دیگر، این بار با نام تازه شاه سلیمان تاج‌گذاری کند(متی[1]، ۲۰۱۱: ۵۲). پس از مرگ شاه عباس دوم و در دوران کوتاه دوازده ساله پس از آغاز حکومت شاه سلیمان، ثروت مملکت به حدود نصف کاهش پیدا کرد(شاردن، ۱۳۵۰، ج۴: ۳۹). بسیاری از ایالت‌ها دچار گرانی، جنگ و بیماری‌های واگیردار بودند و حکام ایالت‌ها، که به‌صورت خودکامگانی ستمگر درآمده بودند، به چپاول و غارت رعایا می‌پرداختند. نظارت بر امور به خواجه‌سرایان دربار محول شده بود(لاکهارت، ۱۳۸۰: ۱۱). دوبروین درباره شاه سلیمان می‌نویسد که وی شیفته زنان و پای‌بند هرزگی شده و توجهی به امور مملکت ندارد. دادگری از کشور رخت بربسته و هرج‌ومرج و شرارت و فساد رایج شده است. به همین علت در راه‌هایی که پیش از این امن بود، اکنون دزد و راهزن می‌بینیم (لاکهارت، ۱۳۸۰: ۴۱).

از بارزترین نشانه‌های افول دولت مرکزی، تبدیل دیوان دیرینه‌سال مدیریت آب به سازمانی ناکارآمد بود که عاملانش به‌سبب نبود نظارت توان هر کاری را یافته بودند. شاردن در وصفی از دوره‌ی حکومت شاه سلیمان آورده: «مردم یک منطقه در هفت فرسنگی اصفهان مبلغ هنگفتی به میرآب داده بودند تا ده روز آب ببرند. اما میرآب تنها یک روز آب به ایشان داده بود. دهقانان شاخه‌های درخت به‌دست به دادخواهی آمدند تا بفهمانند که بر اثر کم‌آبی همگان خواهند مرد. میرآب را جریمه کردند. البته اگر شاه دیگری بود او را می‌کشت»(شاردن، ۱۳۵۰، ج۸: ۱۹۴). به گزارش تاورنیه(۱۳۸۹: ۳۶۲_۳۹۶) کشاورزی ایران در دوران شاه‌سلیمان به‌سبب جنگ‌ها و غارت‌گری‌های پیاپی تنزل کرده و فقط در حوالی تبریز چهارصد رشته قنات به‌سبب بی‌مبالاتی و عدم مراقبت بایر می‌شود. قحطی ایران را فرا می‌گیرد و آب به قیمتی گران فروخته می‌شود. به دلیل امکان گرفتن رشوه از زارعان، نظارت بر آب‌ها از مشاغل پرمنفعت دربار است که هر کس طالب آن شود باید پیشکش گزافی به شاه بدهد. شاردن(۱۳۵۰، ج۴: ۳۰۶) درباره‌ی رشوه‌خواری میرآب‌ها می‌نویسد: «علاوه بر حقوق بیست سو برای هر جریب، هدایای عادی و غیرعادی دیگر نیز تادیه می‌گردد، که بایستی به میرآب تقدیم شود». کمپفر(۱۳۶۳: ۱۰۴) نیز اشاره نموده که میرآب و زیردستان او در این دوره رشوه‌های کلانی از رعایا می‌گیرند.

[1] Matthee

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.52547/scds.9.1.97]

یکی دیگر از نشانه‌های وخامت اوضاع، افزایش آزار مذهبی بود که مخصوصاً گریبان‌گیر جماعت ارامنه‌ی جلفای نو شد و تأثیر بدی بر صادرات ابریشم گذاشت که عمدتاً در دست ارامنه بود(فرایر، ۱۶۹۸: ۸). اقلیت‌های مذهبی در اواخر دوره‌ی صفوی زندگی سختی را تجربه نمودند. تصمیمات وی اغلب متأثر از محمدباقر مجلسی، روحانی قدرتمند مخالف مسیحیان بود(سانسون، ۱۳۴۶: ۲۱). تعقیب اقلیت‌های دینی در این دوره به جایی رسید که بزرگان ارامنه به زندان افتادند و کلیسای جلفا مجبور به پرداخت جزیه گردید.

طبق اشارات تاریخی، زیبایی اصفهان نیز چند دهه پس از مرگ شاه عباس اول به‌تدریج رو به افول نهاد. در دوره‌ی حکم‌رانی شاه سلیمان و شاه سلطان حسین، بی‌توجهی به میدان نقش‌جهان و ضعف مدیریت شهری، موجب قطع بسیاری از درختان و تعفن نهر آب جاری در پیرامون میدان گردید(له‌برون[1]، ۱۷۱۸: ۱۱۹). این امر در کنار تحولات بعدی همچون شورش افغان‌ها و تغییر پایتخت سبب شد بخش بزرگی از میدان تا دوره‌ی قاجار به تدریج بایر و بلااستفاده گردد(فلاندن، ۱۳۹۳: ۸۷).

نتیجه‌گیری

بر پایه‌ی تعریف توسعه‌ی پایدار، انسان می‌تواند احتیاجات نسل کنونی را بدون قربانی کردن توانایی نسل‌های آینده برای برآورده‌سازی نیازهایشان تأمین کند. این مفهوم اغلب درباره‌ی تحولات رخ‌داده در جوامع مدرن به‌کار رفته است، اما می‌توان رویکردها و شیوه‌های گوناگون توسعه در طول تاریخ را بازخوانی نمود و با تحلیل نتایج و پیامدهای هریک از این رویکردها به فهم بهتری از مفهوم توسعه‌ی پایدار دست یافت. نباید از یاد برد که ساکنان فلات ایران تاریخ پر فراز و نشیبی از هزاران سال همبودی با اقلیم خود را پشت‌سر نهاده‌اند و درس نیاموختن از این تجربیات نیاکانی سبب تداوم دشواری‌ها و تکرار روند آزمون و خطا خواهد شد. چالش‌های فراروی ایران معاصر امروز جدی‌تر از همیشه به‌نظر می‌رسند. از این جمله می‌توان به مشکلات گوناگونی اشاره نمود که زیست‌بوم کهن ما را تهدید می‌کنند. وارثان تمدنی که همواره منابع محدود زیستی خود را با صرفه‌جویی و آینده‌گری نگاهبانی نموده‌اند، اکنون با بحران‌های بوم‌شناختی پرشماری (همچون آلودگی آب و خاک، فرونشست زمین، بیابان‌زایی، فرسایش خاک، نابودی جنگل‌ها و مراتع، تغییرات اقلیمی و از همه بحرانی‌تر مدیریت نادرست منابع آبی) رویارو

[1] Le Brun

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.52547/scds.9.1.97]

هستند. افزون بر این، چالش‌های گوناگون اجتماعی و اقتصادی آشکار می‌سازند که ایران معاصر نتوانسته به توسعه‌ای پایدار دست یابد.

این نوشتار هم‌پای بررسی روند اوج‌گیری و افول سلسله‌ی صفوی، تلاش نموده دلایل این افت و خیز را با معیارهای توسعه‌ی پایدار مورد سنجش قرار دهد. یکی از ابزارهای ارزیابی تحولات یک دوره با معیارهای توسعه‌ی پایدار، چارچوب نظری ارکان سه‌گانه (TBL) است که نخستین بار توسط جان الکینگتون تشریح گردیده. در این روش برای رسیدن به نتیجه باید رفتارهای یک سیستم مدیریتی را در سه حوزه‌ی پایداری اجتماعی، زیست‌محیطی و اقتصادی بررسی نمود.

از چالش‌های اصلی محاسبه‌ی ارکان سه‌گانه، دشواری تخمین تأثیرات اجتماعی و زیست‌محیطی یک تصمیم اقتصادی است، به ویژه هنگامی که همچون پژوهش کنونی در پی بررسی یک موردکاوی تاریخی باشیم. تحولات اجتماعی و زیست‌محیطی دلایل متعددی دارند و رصد مرزهای آن‌ها کار ساده‌ای نیست. همچنین فاصله‌ی تاریخی و نبود آمارهای مستند، دست‌یابی به نتایج دقیق را دشوار می‌کند. با وجود این، نگارندگان با کاوش منابع تاریخی برای یافتن اسنادی که اشاره به تحولات اقتصادی، اجتماعی یا زیست‌محیطی دارند و نیز با قراردادن دوره‌ی پادشاهی شاه عباس اول در یک گستره‌ی تاریخی بزرگ‌تر که اقدامات شاهان پیشین و پسین را نیز در بر می‌گیرد، تلاش نمودند بر این دشواری غلبه کنند.

شاه عباس اول، پس از غلبه بر آشوب‌های داخلی و عقب‌راندن دشمنان خارجی، تختگاه تازه‌اش را به مرکزی شکوفا و پررونق برای استقرار امپراتوری و میزبانی از مذاکرات سیاسی و اقتصادی منطقه بدل ساخت. طی دوران سلطنت او، شمار بسیاری از جهانگردان، بازرگانان، نمایندگان سیاسی، کاوشگران و ماجراجویان به اصفهان سفر کردند که توصیفات موشکافانه‌ی آنان را می‌توان از مهم‌ترین منابع دست‌اول برای فهم وضعیت این دوره از دیدگاه ناظران بیرونی دانست.

بر پایه‌ی یافته‌های این پژوهش، سیاست‌های مدیریتی شاه عباس اول را در حوزه‌ی توسعه‌ی اجتماعی می‌توان چنین برشمرد: تلاش برای تأمین آرامش در مرزها و برقراری امنیت نسبی در کشور؛ رواداری سیاسی؛ دوری از تعصبات مذهبی و قومی و اعطای آزادی نسبی به پیروان ادیان گوناگون ساکن ایران؛ حمایت قانونی از غیر مسلمانان و اعطای حدی از خودمختاری به اقلیت‌ها؛ اجازه‌ی برگزاری جشن‌ها و مراسم غیر اسلامی و حضور پادشاه در این رویدادها؛ جایگزینی

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.52547/scds.9.1.97]

اشراف‌سالاری با فضیلت‌سالاری در دستگاه اداری و برگزیدن مدیران از میان افراد شایسته از جمله ارمنیان و گرجیان؛ حمایت از مدرسه‌ها و گسترش آموزش عمومی؛ ساخت بناهای عام‌المنفعه همچون بیمارستان، حمام و کاروان‌سرا.

از اقدامات توسعه‌ای وی در حوزه‌ی مراقبت از زیست‌محیط می‌شود به بازسازی قنات‌ها و آب‌راهه‌ها؛ سخت‌گیری درباره‌ی اجرای قوانین تقسیم آب و نظارت جدی بر سامانه‌های آب‌رسانی به شهرها و روستاها؛ شهرسازی منظرگرا، هماهنگ با طبیعت و حساس به آب؛ گسترش شبکه‌ی مادی‌ها برای توسعه‌ی متوازن پایتخت و کنترل دمای شهر؛ انتقال بخشی از آب مصرفی توسط کانال‌های زیرزمینی برای کاهش میزان تبخیر؛ کاستن از بار مصرف منابع آبی با تبدیل تدریجی اقتصاد وابسته به کشاورزی به اقتصاد تجارت‌محور به‌سبب آگاهی از اقلیم گرم و خشک ایران اشاره نمود.

از سیاست‌های ارزنده‌ی وی در حوزه‌ی توسعه‌ی اقتصادی می‌توان حمایت دایمی از صنعت‌گران، صاحبان فن و بازرگانان؛ بازسازی و ایمن‌سازی شبکه‌ی راه‌های ارتباطی و افزودن بر سهولت سفر به یاری ساخت شمار بسیاری کاروان‌سرا، پل، راهدارخانه و جاده‌ی جدید؛ فعال‌سازی بنادر شمالی و جنوبی برای نقش‌آفرینی در تجارت دریایی منطقه؛ نظم‌بخشی به ارتش و سیستم مالیاتی و سرکوب امیران یاغی و ستم‌پیشه؛ تبدیل املاک ممالیک به خاصه برای افزودن بر کارآیی کشاورزی؛ تثبیت فضای سیاسی و تأکید بر حاکمیت سخت‌گیرانه‌ی قانون؛ ایجاد امنیت اقتصادی را برشمرد که سبب شد ایران به مسیر تجاری مناسبی برای پیوند اروپا با آسیای میانه و سرزمین‌های شرقی بدل گردد. او در سایه‌ی این رویکردها توانست کشور را به توسعه‌ای پایدار برساند که نتایج آن حتی با گذر چهار دهه از مرگ وی و پس از زمامداری دو شاه نه چندان نیرومند نیز هنوز قابل پی‌جویی است.

نگاهی گذرا به دوران پادشاهان پس از او آشکار می‌سازد که دوری از سیاست‌های مدیریتی همبسته با توسعه‌ی پایدار دلیل اصلی افول این سلسله است. کنارنهادن سنت اجدادی سپردن شاهزادگان به سران عشایر برای مشق حکومت، بزرگ‌ترین اشتباه شاه عباس اول در حوزه‌ی سیاست داخلی است. این امر اگرچه بر امنیت شخص شاه در برابر توطئه‌های فرزندانش تا حدی افزود، اما تداوم آن به تربیت جانشینانی نالایق و بی‌تجربه منجر گردید. در دوران سلطنت شاه سلیمان و شاه سلطان حسین حکام ایالت‌ها بر اثر ضعف دولت مرکزی به‌صورت خودکامگانی ستمگر درآمدند که حرص آنان برای گرفتن خراج بیش‌تر زندگی کشاورزان را پرمشقت ساخت و

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.52547/scds.9.1.97]

تولید را کاهش داد. سستی حکومت در برقراری امنیت راه‌ها، افزایش آزار مذهبی و عدم حمایت از تاجران، به گریز بازرگانان از مسیر ایران و از کف رفتن این سود سرشار انجامید. ضعف مدیریت شهری، بسیاری از آبادی‌ها را ویران ساخت و تبدیل دیوان دیرپای مدیریت آب به سازمانی ناکارآمد و سپردن سامانه‌ی آب‌رسانی به متصدیان فاسد، فشار فراوانی را بر دوش طبقه‌ی تولیدکننده نهاد که به تزلزل پایه‌های قدرت مرکزی و در نتیجه سقوط کشور پس از یک آشوب نه‌چندان جدی انجامید.

بازخوانی این تجربه‌ی تاریخی، آشکار ساخت که صفویان عظمت، آرامش و رشد را تنها در دورانی تجربه نمودند که توسعه‌ی اقتصادی همراه و در پیوند با گشایش‌های اجتماعی و حفاظت از زیست‌محیط صورت گرفت. نادیده‌گرفتن عوامل اجتماعی و زیست‌محیطی در برنامه‌ریزی کلان کشور، در نهایت به اقول اقتصاد صفویان، نابسامانی اجتماعی و سقوط ساختار سیاسی آنان انجامید.

مجموعه دستگاه سیاست‌گذاری یک کشور نمی‌تواند کسب درآمد در ازای آسیب به منابع طبیعی یا تشدید تنش‌ها و تعارضات اجتماعی را به عنوان یک راهکار پایدار و یک سیاست عملگرایانه برای برنامه‌ریزی‌های درازمدت مورد استفاده قرار دهد. پیامدها و معضلات چنین رویکردی در نهایت منافع اقتصادی برآمده از آن را نیز خواهد بلعید و جامعه را به‌سوی نااستواری و ناپایداری سوق خواهد داد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.52547/scds.9.1.97]

منابع

۱- آقاجری، هاشم، ابراهیم مشفقی‌فر(۱۳۸۹) «تحلیل استراتژی نظامی ایران و مؤلفه‌های آن در عصر شاه عباس بزرگ (۹۹۶ـ۱۰۳۸ق)»، **پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ**، سال اول، شماره‌ی چهارم: ۲۴-۱.

۲- اخضری، علی، علی‌اکبر کجباف(۱۳۹۲) «نگرشی بر آسیب‌های اقتصادی ایران عصر صفوی»، **پژوهش‌های تاریخی**، سال چهل و نهم، شماره‌ی ۱۷: ۴۸-۳۵.

۳- اولئاریوس، آدام(۱۳۸۵) **سفرنامه‌ی آدام اولئاریوس؛ ایران عصر صفوی از نگاه یک آلمانی**، ترجمه‌ی احمد بهپور، تهران: ابتکار نو.

۴- اهری، زهرا(۱۳۸۷) «ژرف ساخت‌های طراحی شهر؛ مبانی شهرسازی مکتب اصفهان»، **مجموعه مقالات گرده‌همایی مکتب اصفهان**، فرهنگستان هنر: ۱۹۵ـ۱۷۵.

۵- بدوان، ای.ای(۱۳۷۹) «اصفهان در قرن هفدهم»، ترجمه‌ی اصغر کریمی، **فصل‌نامه‌ی اثر**، شماره‌ی ۳۱و۳۲: ۲۲۸ـ۱۹۰.

٦- پازوکی، رضا(۱۳۱۶) **تاریخ ایران از مغول تا افشاریه**، تهران: فرهنگ.

۷- پتروشفسکی، ایلیا پاولویچ(۱۳۵۵) **مناسبات ارضی و کشاورزی در ایران عهد مغول**، ترجمه‌ی کریم کشاورز، تهران: نقش‌جهان.

۸- پورمحمدی املشی، نصراله(۱۳۹۲) «کاربرد تاریخی فرامین شاهان صفوی در باب ارامنه»، **مطالعات تاریخ فرهنگی**، سال چهارم، شماره‌ی ۱۶: ۲۰-۱.

۹- پهلوان‌زاده، لیلا(۱۳۹۲) «مطالعه‌ی تطبیقی طراحی معماری و شهرسازی قزوین و اصفهان دو پایتخت دوره‌ی صفوی»، **پژوهش هنر**، سال سوم، شماره‌ی ۵: ۱۰۰-۸۱.

۱۰- تاورنیه، ژان باتیست(۱۳۸۹) **سفرنامه‌ی تاورینه**، ترجمه‌ی ابوتراب نوری، تهران: کتاب-خانه‌ی سنایی.

۱۱- ترکمان، اسکندربیک(۱۳۵۰) **تاریخ عالم‌آرای عباسی**، تصحیح ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.

۱۲- جعفریان، رسول(۱۳۸۰) **صفویه از ظهور تا زوال**، تهران: دانش و اندیشه‌ی معاصر.

۱۳- جناب، میرسیّدعلی(۱۳۷۶) **الاصفهان**، به اهتمام عباس نصر، اصفهان: گل‌ها.

۱۴- جواهرکلام، علی(۱۳۱۳) **زنده‌رود**، جلد اول، بی‌جا.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.52547/scds.9.1.97]

۱۵- حبیبی، محسن(۱۳۷۷) «مکتب اصفهان در شهرسازی»، **هنرهای زیبا**، ۳ (۱)، ۵۳-۴۸.

۱۶- حسینی ابری، حسن(۱۳۷۷) «مدیریت سنتی آب زاینده‌رود بحثی در دانش بومی ایران»، **مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان**، شماره‌ی ۱۵: ۱۲۰_۱۰۱.

۱۷- حسینی ابری، حسن(۱۳۸۳) «طومار تقسیم آب زاینده‌رود؛ سند جاودانه‌ی مشارکت حکومت و مردم ایران در مدیریت منابع طبیعی»، **کتاب مقالات دومین همایش ملی ایران‌شناسی**: ۱۹۹_۱۸۳.

۱۸- دلاواله، پیترو(۱۳۴۸) **سفرنامه‌ی دلاواله**، ترجمه‌ی شجاع‌الدین شفا، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

۱۹- سانسون، پی. اس(۱۳۴۶) **سفرنامه‌ی سانسون**، ترجمه‌ی تقی تفضلی، تهران: ابن‌سینا.

۲۰- سیوری، راجر(۱۳۸۰) **در باب صفویان**، ترجمه‌ی رمضان‌علی روح‌الهی، تهران: نشر مرکز.

۲۱- سیوری، راجر(۱۳۹۴) **ایران عصر صفوی**، ترجمه‌ی کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز.

۲۲- شاردن، ژان (۱۳۵۰) **سیاحت‌نامه‌ی شاردن**، ترجمه‌ی محمد عباسی، تهران، امیرکبیر.

۲۳- شرلی، آنتونی (۱۳۷۸) **سفرنامه‌ی برادران شرلی**، ترجمه‌ی آوانس، به کوشش علی دهباشی، تهران: به دید.

۲۴- شیخ‌بهایی(۱۳۰۷) **طومار شیخ‌بهایی**، به کوشش کاظم سمیعی اصفهان: چاپ‌خانه‌ی راه نجات.

۲۵- عالمی، مهوش(۱۳۸۵) «باغ‌های دوره‌ی صفویه؛ گونه‌ها و الگوها»، ترجمه‌ی محسن جاوری، **گلستان هنر**، شماره‌ی ۵: ۹۱-۷۲.

۲۶- عمرانی‌پور، علی، اصغر محمد مرادی(۱۳۹۰) «سیر تحول محیط زاینده‌رود و تعامل آن با شهر تاریخی اصفهان تا پایان عصر صفوی»، **نشریه‌ی صفه**، شماره‌ی ۵۵: ۱۸۴-۱۷۱.

۲۷- فاضل، احمد(۱۳۷۶) **شاه عباس دوم صفوی و زمان او**، مشهد: ضریح.

۲۸- فلاندن، اوژن(۱۳۹۳) **سفرنامه‌ی اوژن فلاندن به ایران؛ تصویری از ایران دوران قاجار**، ترجمه‌ی عباس آگاهی، تهران: نقش مانا.

۲۹- فیگوئرا، دن گارسیا دسیلوا(۱۳۶۳) **سفرنامه‌ی دن گارسیا دسیلوا فیگوئرا سفیر اسپانیا در دربار شاه عباس اول**، ترجمه‌ی غلامرضا سمیعی، تهران: نشر نو.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.52547/scds.9.1.97]

۳۰- کمپفر، انگلبرت(۱۳۶۳) **سفرنامه‌ی کمپفر**، ترجمه‌ی کیکاووس جهانداری، تهران: خوارزمی.

۳۱- گلستان‌نژاد، ابوالقاسم؛ ارشدی‌پور، اعظم؛ باباصفری، عبدالمجید؛ خلیلیان، مائده؛ موسوی، رسول و اعظم نصری(۱۳۹۴) **اطلس کلان‌شهر اصفهان**، تهران: هم‌صدا.

۳۲- لاکهارت، لارنس(۱۳۸۰) **انقراض سلسله‌ی صفویه**، ترجمه‌ی اسماعیل دولتشاهی، تهران: علمی و فرهنگی.

۳۳- لمبتون، کاترین سینفورد(۱۳۷۷) **مالک و زارع در ایران**، ترجمه‌ی منوچهر امیری، تهران: علمی و فرهنگی.

۳۴- محمودیان، صفا و مهرداد قیومی بیدهندی(۱۳۹۲) «هنجار مادی: نظام مدیریت آب در اصفهان صفوی»، **نامه‌ی معماری و شهرسازی**، شماره‌ی ۱۰: ۱۵۳ـ۱۴۱.

۳۵- مستوفی، حمداله(۱۳۶۴) **نزهه‌القلوب**، به کوشش عبدالحسین نوایی، تهران: امیرکبیر.

۳۶- مینورسکی، ولادیمیر(۱۳۳۴) **سازمان اداری حکومت صفوی، با تحقیقات و حواشی و تعلیقات بر تذکره‌الملوک**، ترجمه‌ی مسعود رجب‌نیا، تهران: انجمن کتاب، کتاب‌فروشی زوار.

۳۷- ناصرخسرو(۱۳۸۴) **سفرنامه**، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران: انجمن آثار ملی.

۳۸- وحید قزوینی، محمدطاهر بن حسین(۱۳۲۹) **عباسنامه، شرح زندگانی ۲۲ ساله‌ی شاه عباس ثانی(۱۰۷۳ـ۱۰۵۲)**، تصحیح ابراهیم دهگان، اراک: کتاب‌فروشی داودی.

۳۹- هنوی، جونس(۱۳۶۸) **هجوم افغان و زوال دولت صفوی**، ترجمه‌ی اسماعیل دولتشاهی، تهران: یزدان.

40- Bairoch, Paul (1995). *Economics and World History: Myths and Paradoxes*. Chicago: University of Chicago Press.

41- Carmona, M., Heath, T., Tiesdell, S. (2003). *Public Places Urban Spaces, the dimensions of urban design*. Hudson: Architectural Press.

42- Curzon, George N. (1892). *Persia and the Persian Question*, London: Longmans, Green and Co.

43- Elkington, John (1994). "Towards the Sustainable Corporation: Win-Win-Win Business Strategies for Sustainable Development". *California Management Review*, 36, No. 2.

44- Elkington, John (1997). *Cannibals with forks: the triple bottom line of 21st century business*. Oxford: Capstone.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.52547/scds.9.1.97]

45- Falahat S. & Shirazi M. R. (2012). "New Urban Developments in Safavid Isfahan, Continuity or disjuncture?". *Planning Perspectives*, Vol. 27, pp 611-624.

46- Ferrier, Ronald W. (1996). *A journey to Persia: Jean Chardin's Portrait of a Seventeenth-century Empire*. London: I.B.Tauris.

47- Floor, Willem, Edmund Herzig (2015). *Iran and the World in the Safavid Age*. London: I.B.Tauris.

48- Fryer, John (1698). *A New Account of East India and Persia*. London.

49- Golombek, L. (1974). "Urban Patterns in Pre-Safavid Isfahan". *Iranian Studies*, Vol. 7, No. 1, pp 18-44.

50- Gordon, Katy (2007). *Evaluation of tools for sustainability assessment in tourism*. M.A Dissertation, Oklahoma State University.

51- Hall, Michael, Lew, Alan. A. (1999). *Sustainable tourism; a geographical perspective*, New York: Longman.

52- Hoyer, J., Dickhaut, W., Kronawitter, L., Weber, B. (2011). *Water Sensitive Urban Principles and Inspiration for Sustainable Stormwater Management in the city of the Future*. Berlin: Jovis Verlag.

53- Jackson, Peter (1986). The Safavid Period. The Cambridge History of Iran. Cambridge: Cambridge University Press.

54- Langenbach, H., Eckart, J., Schroder, G. (2008). *Water Sensitive Urban Design, results and principles. Landscape Architecture and planning*. Hamburg: HafenCity University.

55- Le Brun, Corneille (1718). *Voyages De Corneille Le Brun Par La Moscovie, En Perse, Et Aux Indes Orientales*. Amsterdam: Chez les frères Wetstein.

56- Matthee, Rudi (2012). Persia in Crisis: Safavid Decline and the Fall of Isfahan. London: I.B.Tauris.

57- Metz, Helen Chapin (1989). *Iran, a Country study*. Ann Arbor: University of Michigan.

58- Molle, F. Ghazi, I. Murray-Rust, H. (2009). "Buying Respite: Esfahan and the Zayandeh Rud River Basin, Iran", In: *River Basin Trajectories; Societies, Environments and Development*, Series 8, pp 196-213.

59- Savory, Roger (2007). *Iran under the Safavids*, The Cambridge History of Iran. Cambridge: Cambridge University Press.

60- Saxena, Shubham, (2017). "Managed Sustainable Development: Classification of Resources and Goods & Services, Calculating Sustainable Growth Rate and The Sustainable Development Index". *International Journal of Scientific & Technology Research*, Vol. 6, Issue 5.

61- Shaker, Richard Ross (2015). "The spatial distribution of development in Europe and its underlying sustainability correlations". *Applied Geography*, 63.

62- Shapur Shahbazi, Alireza (2005) "The History of the Idea of Iran", In: Vesta Curtis ed., *Birth of the Persian Empire*, London: IB Tauris.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.52547/scds.9.1.97]

63- Slaper, Timothy F. and Hall, Tanya J. (2011). “The Triple Bottom Line: What Is It and How Does It Work?”. *Indiana Business Review*, Vol. 86, No. 1.

64- Taghavi, A. Hashemi Zarjabad, H. Asgari Veshareh, M, (2016). “An Overview on the basis of Urban Planning and Social Life of Safavid Cities”, *Humanities*, Vol. 23 (3), pp 1-13.

65- Tavernier, J. B. (1712). Les six voyages de Jean Bapt. Tavernier en Turquie, en Perse, et aux Indes. 2 Vols. Utrecht.

66- UN (1992). *Agenda 21*. A product of the Earth Summit (UN Conference on Environment and Development), Brazil: Rio de Janeiro.

67- Vernon, B., Tiwari, R. (2009). “Place Making through Water Sensitive Urban Design”. *Journal of Sustainability*, 1, pp 789-814.

68- World Commission on Environment and Development (WCED) (1987). Our Common Future. New York: Oxford University Press.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.52547/scds.9.1.97]